

تازی و نازی

+ برگ های تاریخ ایران را که زیر و رو کنیم، درمی یابیم، از دو گروه از مردمانِ افزون خواهِ جهان، بیشتر از هر گروه دیگری بر ما ایرانیان ستم روا داشته شده است.

- ناگفته پیداست که یکی از این دو گروه، عرب هایی بودند که به نام دین، دین اسلام بر ملت و بر سرزمین ایران آسیب های فراوانی رسانده اند و می رسانند.

* تازی

پیش از دنبال کردنِ نوشتارم یادآور می شوم که بهیچ روی نه، می خواهم به گروهی بتازم و نه، می خواهم گروهی را خوار بشمارم. خدای هر دو جهان من را نبخشاید اگر چنین اندیشه ای در سر داشته باشم. دیدگاه من تنها روشنگری و آگاه کردنِ ایرانیان، از گذشته و از تاریخشان است و بس. زیرا به همانگونه که بارها و بارها گفته ام، باورم بر اینست که هرآنچه امروز بر سر سرزمین و بر سر ایرانیان می آید، همه از ناآگاهی از گذشته مان سرچشمه می گیرد.

* نوشته ام را با واژه ی تازی آغازیده ام. هنگامی که این واژه را به کار می برم، بسیاریانی گمان می برند که به عرب ها ناسزا می گویم. پاسخ من به این هم میهنان اینست:

- می دانیم که در زبان پارسی واژه ی تازی با یک گونه نوشتن، از دو چم گوناگون برخوردار است.

۱ - به جانورانی که تند و تیز می دوند، تازی گفته می شود مانند؛ اسب تازی (اسب تند دو) یا سگ تازی (سگ گله که تند و تیز به دنبال شکار می دود). این واژه از کارواژه ی (مصدر) تاختن می آید.

۲ - پیش از تاخت و تازی عربها به ایران، روزگاری بود که سرزمین ما، سری در میان سرانِ دیگر کشورها داشت و از جایگاه توانمندی با همسایگان و دیگر کشورها سخن می گفت. در آن هنگام در کشور عربستان شهری بود به نام طه. حاتم طائی در آن بخش عربستان می زیسته است. نام او برای ما ایرانیان بسیار آشناست. نزد ما او به مردی دست و دلباز و بخشنده پراوازه است.

در آن هنگام، زنجیره ی پادشاهان ساسانیان بر ایران فرمانروایی می کردند، میان ایران و عربستان کار داد و ستد برپا و برجا بود و به خوبی انجام می گرفت. بازرگانان ایرانی، به کسانی که از شهر طه می آمدند تازی می گفتند. کم کم نه تنها به بازرگانان، که به مردمانِ کشور عربستان تازی گفته می شد.

- در آن زمان هنوز ایرانیان زبان، نویسه (الفبا) و شناسه ی (هویت) خود را داشتند و نویسه های تازی به زبان پارسی درون نشده بود و طازی را تازی می نوشتند.

* گمان من بر اینست که پس از چهل و یکی دو سال چیرگی آخوندها بر سرزمینمان ایران از سوئی، و دین باوری هایی که جز سخنان بیهوده (خرافات) چیز دیگری به ما نمی آموزد، از سوی دیگر، نیازی نیست که از رنج ها، زیان ها و آفت هایی که ما و ایرانزمینمان از آخوندها خورده ایم، سخن گفته شود.

* نازی

* جنگ دوم جهانی، بهمانگونه که از نامش پیداست آتش آن دامان همه ی کشورها، از آن میان، دامن کشور ما ایران را هم گرفت. - در آن هنگام پادشاه ایرانسان، پهلوی یکم، رضاشاه بزرگ، پادشاه ایران بود. او که پله های پیشرفت، از سربازی تا برتخت شاهی نشستن را، یکی پس از دیگری پیموده بود و خوی و خیم سربازی داشت، بخوبی می دانست، اگر آتش جنگ دامان ایران را بگیرد، ایرانی که او برای آبادانیِ خون دل ها خورده بود، ویرانی هایی به بار خواهد آورد که برای بازسازی آن یک یا دو پشت از فرزندان آینده ی ایران می بایستی جانفشانی ها کنند. از اینرو از همان آغاز، کناره گیری ایران را از جنگ به آگاهی همگان رساند. ولی

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ی من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

- در پی ترفندهایی که کشورهای سوذجو جستند و یافتند، سرانجام آتش جنگ دامنگیر ایران هم شد. ایرانی که در این جنگ از برنام پل پیروزی برخوردار شد.

* جا دارد گفته شود که آریایی نژاد نیست. در جهان چهار نژاد بیشتر نداریم. نژاد سپید - نژاد سیاه - نژاد سرخ و نژاد زرد.

* آریا نامی است که به هندو آریایی های آپاختر (شمال) هند و ایران داده شده است. آنها مردمانی بودند که در آپاختر (شمال) زمین، در سرزمین های سرد و یخ زده زندگی می کردند و بیشتر کارشان کشاورزی و دامپروری بود، آنها در هزاره ی سوم پیش

از زایش، در پی یافتن سرزمین های گرم و سرسبز، به سوی نیمروز (جنوب) سرازیر شدند. بخشی از آنها به پشته ی ایران که رسیدند آنچه را می خواستند، یافتند. تیره ی آریایی ها زبانشان آریایی بود و فرهنگ ویژه ی خود را داشتند که فرهنگی آشتی جویانه و مهربانانه بود. بررسی واژگان این زبان برخی آگاهی ها را در باره ی زندگی آنان بر ما روشن می کند.

- **کراردونیولی** از پژوهشگرانی است که بر روی تیره ی آریا کار کرده است. او را باور بر اینست که واژه ی **آریا** در **چَم ایمان** آورده می باشد که درون مایه ای دینی دارد.

- دسته ای دیگر از آن گروه که در پی یافتن سرزمین های خوش آب و هوا بودند، زهسپاری خود را دنبال کردند تا به سرزمین هایی مانند **ایرلند، آلمان**، که رسیدند و از پویش و جنبش بازایستاده و در همان جا ماندگار شدند.

* همگان به خوبی می دانیم که آتش جنگ جهانی دوم، از گور کسی به نام **آدولف هیتلر** بر خاسته است. او از کشور **آلمان** (در برخی نوشته ها آمده که او **اتریشی** بوده است). او خود را آریایی نژاد! می دانست. همین که او می کوشید، خود را آریایی بشناساند، مایه ی ننگ و سرافکنندگی آریایی های نژاده بوده و هست.

- از نازی ها و از اندیشه ی یهودی ستیزی آنها، شمارِ بیشماری زیان و آسیب بر ما ایرانیان رسیده است.

- در اینجا باید بر روان پاک **کورث بزرگ** درود فرستاد و از کار سترگ او یادی کرد. کار سترگ **کورث بزرگ** این بود که یهودیان دربند شده را آزاد کرد و برای ما ایرانیان سرفرازی و سربلندی آفرید. میان آنچه که **کورث بزرگ** در دو هزار و پانصد سال پیش انجام داد و آنچه را که **آدولف هیتلر** کرد

تفاوت از زمین تا آسمان است

* یکی از کارهایی که **هیتلر** کرده، دستکاری در نشانه ی آریاییان است. آریاییان مردمی بودند آشتی جو و نشانه ای برای خود داشتند. **هیتلر** با دستکاری در آن نشانه، **صلیب شکسته** را درست کرد و به نام نشانه ی نازیسم به جهانیان شناساند. شاید کمتر کسی باشد که از این راستینگی (حقیقت) آگاهی داشته باشد.

- در گنج خانه ی (موزه) **لوور LOUVRE پاریس**، در بخش **ایران باستان**، کاسه هایی به نمایش گذاشته شده اند که در تهِ آنها نشان تیره ی آریایی ها نقش بسته است و این کاسه ها، که از گل پخته و در هزارها سال پیش ساخته شده اند، هیچ پیوندی با گروه آدمکش نازی ها ندارند.

- در زیر یکی دو نمونه ی آن را می بینید.





* اینکه گفته می شود صلیب شکسته نشانه ی نازی ها دستکاری شده ی نشانه ی آریایی ها است، گفته ایست درست.
- اگر به سه نگاره ای که در بالا آمده است خوب بنگریم می بینیم که در این نشانه، نخستین بالِ آن در بالا و از سوی چپ آغاز شده و رو به چپ دارد آن را با نگاه که دنبال کنیم، در پایین، نگاره رو به راست دارد و پایان می یابد. بالِ دیگر نگاره، در بالا و در سوی راست و رو به بالا دارد که در پایین نگاره در سوی چپ و رو به پایین دارد و به پایان رسیده است.



- اکنون به نشانه ی نازی ها بنگریم. خواهیم دید که بالِ نخست در بالا و رو به بالا دارد و در پایینِ نگاره رو به پایین دارد. بالِ دیگرِ نگاره به جای اینکه رو به بالا داشته باشد، رو به سوی راست دارد و در سویِ پایینِ نگاره رو به چپ دارد.
- کوتاه سخن اینکه نشانه ی آریایی ها را ماهرانه دستکاری کرده و به آن نامِ **صلیب شکسته**، نشان نازیسم به خوردِ مردمِ ناآگاهِ جهان داده اند.

* دست به نیایش برداشته و از درگاه آفریننده ی جهان بخواهیم که هر چه زودتر سرزمین ما را از پلّشتی ها و از ناراستی ها رها سازد.

گردآورنده : ژاله دفتریان
بهمن ماه ۲۵۸۰ ایراین
برابر با فوریه ۲۰۲۲ ترسایبی